

## با ما در ارتباط باشید

رایانامه info@shahrara.com  
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹  
پیام رسان ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰  
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

## نیروی انتظامی

۰۷۶۶...۹۱۵۰ | چرا نیروی انتظامی با خرده‌فروشان موادمخدر در بولوار دوم طبرسی شمالی ۲۸، خالقی ۲۴، برخورد نمی‌کند؟ هرروز تعدادشان بیشتر می‌شود. اینجا محل عبورمرو معتادان شده است.

**شهروند** اراضی متعلق به آستان قدس واقع در قاسم‌آباد، امامیه یک و ۳ و ۵ و ۷ فاقد نگهبان ثابت در محل و چراغ روشنایی است. این امر سبب شده است اینجا پاتوق سارقان و بزهداران شود و امنیت ساکنان محل به خطر بیفتد. لطفا رسیدگی کنید.

## کرونا

**عیاشی** | یکی از نزدیکان درجیک بنده به کرونا مبتلا شده است. خدوم هم مدت‌هاست به آسم مداوم مبتلا هستم، لذا ۱۳ مرداد از کارشناس سامانه ۱۹۱ پرسیدم برای ضدعفونی کردن اتاق چه مقدار وایتکس را با چه میزان آب ترکیب کنم. گفتند دو قاشق وایتکس با چهار لیوان آب. همین سؤال را بدلیل اهمیت موضوع، روز بعد از روزانس ۱۱۵ پرسیدم. گفتند یک لیوان وایتکس با دو لیوان آب! چون پاسخشان با هم تناقضی آشکار داشت، مرد شدم. مگر پروتکل ثابتی برای این موضوع وجود ندارد؟

**تامین اجتماعی**  
۰۳۲۱...۰۹۰۲ | اداره بیمه! کی حقوق بیمه بیکاری تیر ۹۹ واریز می‌شود؟

## سازمان ترافیک

**نسرین ایادریان** | در شهرهای بزرگ وقتی پارک و فضای سبزی در حال احداث است، باید راه عبورمرو بازدیدکنندگان هم‌رون باشد، درحالی که ترافیک مسیرهای گردشگری مشهد، کلافه‌کننده است.

**۱۴۴...۰۹۱۵** | جمع‌آوری ایستگاه‌های دوچرخه، اشتباه بزرگی است، آن‌هم زمانی که فرهنگ دوچرخه‌سواری در حال ارتقا است. می‌توان این ایستگاه‌ها را به فروشگاه شهر ما واگذار کرد یا به میوه‌فروشان ...

**۱۷۰...۰۹۰۲** | درحالی که آزمون‌های نظام‌مهندسی، دکتری، ارشد و سراسری با یک میلیون و چندصدهزار شرکت‌کننده و مدت چهار ساعت، در هر نوبت، در هر شرایط بهداشتی، راس موعده برگزار می‌شود، آزمون هماهنگ فنی‌وحرفه‌ای کمیتر است. ۱۰ هزار شرکت‌کننده و یک ساعت زمان دارد، سه ماه به تعویق می‌افتد. فنی‌وحرفه‌ای پاسخگو باشد که چرا؟

## سازمان اتوبوس‌رانی

**۰۹۹۲...۰۷** | جمعه ۷ مرداد ۸هزار تومان پول کرایه من تا مقصد شد و در برگشت هم ۸هزار تومان، مجموعاً ۱۶ هزار تومان. در راه اگر پنج روز اتوبوس‌ها را تعطیل کنند، می‌شود ۸۰هزار تومان. این مبلغ ضربه شدیدی می‌زند به اقتصاد خانواده ما کارگران. چرا شرکت‌واحد به بهانه کرونا، اتوبوس‌ها را جمعه‌ها تعطیل می‌کند؟ درحالی که در روز جمعه جمعیت اندکی سوار اتوبوس می‌شوند و برعکس در طول هفته اتوبوس‌ها شلوغ است. شلوغی کلی هفته، باعث افزایش بیماری کرونایی می‌شود؟

**۰۸۱۱...۰۹۹۶** | چرا این قدر تبعیض در حق نیروهای خدمات و نگهبان صورت می‌گیرد؟ نیروهای اتوبوس‌ران که یک سالی است به ناگهان آمده‌اند، ۲۰۰ هزار تومان به‌مناسبت عید غدیر دریافت کردند و ما فقط باید حسرت بخوریم. چه کسی در اتوبوس‌رانی این تصمیمات را می‌گیرد؟

## ایرانسل

**۰۹۳۶...۰۹۳۶** | آنتن‌دهی ایرانسل در منطقه طلاب، خیابان شهید علیمردانی، خیلی ضعیف است، حتی امکان تماس نیست. لطفا رسیدگی کنید.

## گراتی

**شهروند** | در عرض کمتر از دو ماه، ۵۰ درصد به قیمت ماکارونی افزوده شده است.

**نجفی** | حتی اندازه کیسه فریزر هم کوچک‌تر از قبل شده است، قیمتش اما بیشتر.

## اجتماعی

**۰۵۱۱...۰۹۱۵** | برای کسب مدرک ارشد و بالاتر چه میزان هزینه می‌شود؟ حالا فرقی نمی‌کند، چه توسط خود فرد یا دولت. هوش و استعداد من نوعی از حد همان دیپلم هم بیشتر نیست، اما با صرف هزینه‌های نجومی، فرضاً مدرک فوق‌لیسانس خود را می‌گیرم. حالا سطح توانایی من نوعی از حد دیپلم هم بیشتر نیست، اما چون ظاهراً مدرک فوق‌لیسانس است، انتظار دارم کمتر از یک فوق‌لیسانس با من برخورد نشود. بهتر نیست مسئولان راه‌حلی به کار گیرند که تحصیل و کار تومان حتی از متوسط اول تا فرضا دکتری به موازات هم وجود داشته باشد و اصطلاحاً... بختی به اخذ مدرک و... بختی تر از آن، به شغل پیدا کردن ختم نشود؟

**جوادی** | بعضی وقت‌ها فیلم و سریال‌هایی در تلویزیون نمایش داده می‌شود که نشان می‌دهد افراد، بدون تلاش به پول می‌رسند. به نظر شما این شیوه آموزشی مناسبی است برای مردم؟ ممکن است آن‌ها هم خیال کنند که می‌توانند دست روی دست بگذارند تا کسی در خانه از برند و بگویند برنده قرعه کشی شدیدی.

## شهر

روزنامه شهرامید وزنگی

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۹

۰۴

## جامعه

## بازگشت مسافر کوچولو به خانه

روایت شهرآرا از بازگشت کودک یازده ساله به آغوش خانواده پس از ۵ سال جدایی از والدینش



عکس: مصطفی عیاشی | شهرآرا

فرزانه شهامت

f.shahamat@shahraranews.ir



گزارش روز

همه چیز برای خداحافظی با «علیرضا» مهیاست. اینه، قرآن و یک شاخه رز سرخ در سینی چیده شده است. لیوان آب هم در بساط بدرقه این مسافر کوچک، از قلم نیفتاده است. برای او، رفتن از این خانه با تمام خاطره‌ها و اهالی مهربانش، رؤیایی بود که ناگهان، رنگ واقعیت گرفت.

بقیه بچه‌ها تازه از تمرین فوتبال برگشته‌اند، همگی از ماجرا خیر دارند و با حسرت، رفتن رفیق چندساله‌شان را تماشا می‌کنند. نه اینکه دلتنگش نباشند، اما اینجا کسی آرزوی بازگشت علیرضا را ندارد. کاش اینجا با همه خوبی‌هایش، برای تمام آن‌ها گذر گاهی موقت باشد و به مقصدی امن به نام خانواده ختم شود.

## من خانواده ندارم

روزی بود شبیه دیگر روزهای خدا؛ آفتابی و آرام. اتاق علیرضا در طبقه دوم خوابگاه پسران خیریه گلستان علی (ع) قرار داشت. مربی، او را صدا زد و با صدای آهسته به کودک، جمله‌ای را گفت که علیرضا هنوز هم از مرور آن هیجان‌زده است: «خانم مربی بهم گفت بابات اومده. می‌خواد تورو ببینه.» یعنی درست شنیده بود؟ بابا آمده است تا او را ببیند؟ از آخرین دیدار علیرضا و پدرش سال‌ها می‌گذرد؛ پنج سال، شاید هم بیشتر. این یعنی او نیمی از عمر یازده‌ساله‌اش را بدون سایه پدر و البته، مهر مادر گذرانده است.

و بدسرپرست، تلخ‌ترین شرح حال است. سال‌ها تجربه ارتباط با این بچه‌ها، مدیران و مددکاران موسسه را به چنین نتیجه‌ای رسانده است.

## گم‌گشته

این خانه، همه چیز دارد؛ پنجره‌هایی بزرگ رو به حیاطی بزرگ‌تر که هر صبح، آفتاب را به اتاق‌های دل‌باز بچه‌ها راهنمایی می‌کنند. گلدان‌های رنگارنگی دارد که پشت پنجره‌ها جا خوش کرده‌اند و طراوت گلبرگ‌ها خبر از خوب بودن حالشان می‌دهد. اینجا هر کس تخت، کمد و کشوی مخصوص به خودش را دارد. اتاق رایانه، کتابخانه، سالن بازی‌های رزمی، میز پینگ‌پنگ در گلستان علی (ع) حاضرین پلی میان خانواده‌ها و مقاضای‌های فرزندانند که شومیم و فرایند را کوتاه کنیم. این کار را با اعتمادی که در مجموعه بهزیستی و دادگستری به خودمان ایجاد کرده‌ایم، انجام می‌دهیم. نتیجه این اعتماد، واگذاری حضانت حدود ۲۵ فرزند از ابتدای سال بوده است.

۳۸۰۹۴ شماره تلفنی است که او اعلام می‌کند و قول می‌دهد خود در کنار خانواده‌های دارای شرایط فرزندخواندگی بمانند.

## سلام بابا!

سال‌ها دوری و بی‌خبری، تصویر پدر را در ذهن کودک، محو کرده بود. می‌گوید که در نخستین دیدار، بابا را نشناخته اما وقتی که آن مرد، «علیرضا» صدایش زده، مطمئن شده است که او خود باباست. پس از آن، چندبار همدیگر را دیده‌اند و با هم خوش‌وبش کرده‌اند. بعد هم چندباری می‌آیند که از این به بعد باید مامان اعظم صدایش بزند، به خوابگاه آمده است و باهم صحبت کرده‌اند. از آن موقع تا

## کنته ما

باهش زندگی کنیم؟



## فو تو شهر

اگران بیلبردهای آموزش پوش «خط عابر-خط زندگی». این کلان پروژه آموزش فرهنگ شهروندی که از سال گذشته برای ترویج رعایت حق تقدم عابر پیاده شروع شد امسال هم ادامه دارد. بد نیست بدانید در سال ۹۷ حدود ۵۶ درصد از کشته‌شدگان تصادفات درون‌شهری معادل ۱۳۰ نفر عابران پیاده بوده‌اند؛ این آمار برای سایر شهرهای دنیا که جمعیت مشابه مشهد دارند، یک کشته است!

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

این طور به دلش نشسته است. او می‌گوید برای شوهرش خط‌ونشان کشیده و گفته است حق ندارد وقت‌هایی که علیرضا حضور دارد، در مورد مادر واقعی‌اش بد بگوید. هرچه باشد، مادر است و نباید خاطرات او در ذهن فرزندش، ترک بردارد.

## خوش به حالت!

همه چیز برای خداحافظی با «علیرضا» مهیاست. اینه، قرآن و یک شاخه رز سرخ در سینی چیده شده است. لیوان آب هم در بساط بدرقه این مسافر کوچک، از قلم نیفتاده است. کوله‌پشتی جمع‌وجوری را به دوش دارد که در آن چند تکه لباس جا داده است. چندنفر از دوستانش را در آغوش می‌گیرد و با آن‌ها خداحافظی می‌کنند. مددکار آخرین سفارش‌ها را به پدر و مادر دوم علیرضا می‌کند

و می‌گوید: «مراقب پسرمان باشید!» کارکنان خوابگاه برای بدرقه، جلوی در سالن جمع شده‌اند. نیمی از چهره‌شان زیر ماسک، پنهان است، با این حال، فهم شادی و شوقی که در چشمانشان موج می‌زند، کار سختی نیست. همه آماده گرفتن عکس یادگاری شده‌اند. «عکس به مهریه می‌مونه، کی داده، کی گرفته؟» جمله‌ی یکی از کارکنان، بهانه‌خنده‌های این جمع کوچک می‌شود. حالا علیرضا از زیر آینه و قرآن رد شده است و دست در دست بابا و مامان اعظم به سمت در خروجی حرکت می‌کند. می‌گویند کلی کار برای انجام دادن دارند. علیرضا کمد ندارد و باید به بازار بروند تا به سلیقه خودش یکی را انتخاب کند. برای تکالیف مدرسه‌اش باید به فکر گوشی هوشمند باشند. لباس جدید هم لازم دارد. رفتن علیرضا با برگشتن هم خوابگاهی‌هایش از تمرین فوتبال، هم‌زمان شده است. سرپا ایستاده‌اند و در سکوت، صحنه را تماشا می‌کنند. در میان «خداحافظ» گفتن‌های جست‌وجو ریخته‌شان، صدای حسرت یکی از بچه‌ها را بلندتر از بقیه می‌شنوم:

«علیرضا! خوش به حالت!»



این خانه برای بچه‌ها همه چیز دارد؛

چیزهایی که هر بچه‌ای آرزوی داشتنش را در سر می‌پروراند اما... جقدر جای خالی بعضی نداشته‌ها بزرگ است؛

چیزهایی از جنس احساس و هویت و تعلق. کاش مادری باشد گرم و دستی نوازشگرو

پدری هرچند پرمشغله، جدی و کم‌حرف ولی

با اخم‌هایش بفهماند که حواسش به همه چیز هست.

مؤثرترین و کم هزینه ترین تبلیغات

۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ داخلی ۵۲۷